احتمالات مطرح در «سئل عن الأهلة»

باب سوم از ابواب احکام شهر رمضان، حدیث اول وبودیم.

> **محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، وعن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد جميعا، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنه سئل عن الأهلة فقال: هي أهلة الشهور، فإذا رأيت الهلال فصم، وإذا رأيته فأفطر.**
>
> **وروا‌ه المفيد في (المقنعة) عن حماد بن عثمان مثله[1]**

در اینجا حلبی نقل کرده است. اما در همین باب و باب بعدی روایاتی شبیه به همین، متعدد هست. حدیث سوم، هفتم، هجدهم، بیستویکم، بیست و دوم، بیست و هفتم. باب چهارم؛ حدیث چهارم، نوزدهم و بیستم به این صورت است. در همه این روایات صحبت در این است: «سئل عن الأهلة» همه این روایات همین مضمون را دارد.

جلسه قبل صحبت شد که سؤال از «الاهلة» در قرآن کریم آمده است. آن چه که در نقل تفاسیر هست، سؤال از حالات قمر در یک ماه بوده. بر خلاف روایاتی که توضیح داده بودند. اما عرض شد وجه اینکه مدتی از آیه شریفه گذشته و از آن سؤال میکنند، چیست. آقا فرمودند ظاهراً روایات عدد در ذهن او بوده، لذا از «اهله» سؤال کرده است. احتمال دیگری هم هست؛ احتمال ساده‌ای است. این احتمال که «سئل عن الاهله» به این معنا باشد که از اهله‌ای که در آیه از آن سؤال شده، سؤال شده. یعنی چون در تفسیر دو جور است، از آن سؤال شده است. «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ[2]»، در روایات تفسیری دارد: از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله از تشکلات قمر سؤال شد. نه از ماه محرم و صفر و رمضان و شعبان. بلکه از خود تشکلات یک ماه سؤال شد. لذا این طرف میگوید «سئل عن الاهلة»؛ یعنی ای ابن رسول الله آن سؤال در قرآن را برای ما واضح کنید. یعنی بفرمایید که سؤال در قرآن از چه بوده. اینجا دیگر نیازی نیست روایات عدد را در نظر بگیریم.

شاگرد: یعنی «سئل عن سؤال الاهلة».

استاد: بله، یعنی در «الاهلة»، «ال» عهد است. منظور از اهله‌ای که مردم در آیه از آن سؤال کردند، کدام بود. لذا حضرت میفرمایند چیزی که تو شنیده‌ای که از تشکلات در قمر بود، نبوده. بلکه «اهلة الشهور». آن وقت ادامه آن توضیحی است بر اینکه وقتی آیه شریفه میفرماید «هی مواقیت للناس»، میقات بودن به «صم للرؤیة و افطر للرؤیة» است. میقات سهل الوصول و سهلة سمحة. همچنین اهله‌ای که تعظیم شعائر و... را حفظ میکند در این منحصر میشود که شما هلال را ببینید. این هم یک احتمال است.

شاگرد: اینها مُظهر می‌خواهد. آن چیزی که من عرض کردم، با کثرت سؤال جور درمی‌آید. یعنی با این جور درمی‌آید که روایات عدد در ذهن آنها جا گرفته بود و از آن طرف به گوش آنها اهلهٔ هم خورده بود. لذا سؤال می‌کنند با وجود عدد، هلال چیست. حضرت می‌فرمایند معیار شهر است و هلال هم هلال شهر است. لذا با توجه به کثرت سؤال‌هایی که در دوازده روایت آمده است، این وجه اظهر است. قطع نظر از این احتمال، احتمالی که مطرح کردید شاهد و مظهر می‌خواهد و مئونهٔ بیشتری می‌خواهد.

استاد: اشکالی که من به عدد داشتم، این بود: کسی که قائل به عدد است منکر هلال نیست، تا شما بگویید اهلهٔ چیست. او هم می‌گوید ماه محرم و شعبان. او هم هلال را به‌عنوان هلال قبول دارد. تنها می‌گوید یک در میان، یکی را ناقص بگیر و دیگری را تام بگیر. ماه همان ماه است. ماه مبارک، شوال، ذی القعده و ... .

شاگرد: بعد از جمع بین ادله همینطور است اما در فضای صدور وقتی عدد می‌گفتند به این معنا بوده که هلال دیگر کنار می‌رفته.

شاگرد۲: فضا به این قدر پر رنگ بوده؟

استاد: خیلی از این دوازده روایت به هم برمی‌گردد.

شاگرد۳: روایات عدد زیاد نیست. آن چه که تواتر دارد این است که ماه رمضان هیچ وقت ناقص نمی‌شود.

استاد: بله، کمال؛ «لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ[3]».

شاگرد: عدد را به‌معنای عام می‌گیریم. ایشان یکی از معانی عدد را گرفته‌اند.

> 6:22

استاد: تا یادم نرفته، راجع به سند روایت هشام عرض کنم. من عرض کردم مرحوم شیخ ابتدا اسم کسی را می‌آورند که کتاب برای او است. بحث مفصلی را فرستاده‌اند که در این مطلب منعکس شده است. این را عرض بکنم که راجع به صحبتی که شد این هم هست. حالا این‌که این منعکس شده در چه جهت است؛ آیا شیخ مهم نمی‌دانستند یا ... سر جایش باید برگردیم.

علی حال نسبت به این روایت چه سؤال از روایات عدد باشد و هلالی که مقابل آن به ذهن می‌آمده، یا سؤال از سؤال در آیه باشد....

شاگرد: این‌که شیخ همیشه با صاحب کتاب شروع می‌کند درست نیست؟

استاد: بله، مفصل منعکس کرده‌اند. حالا باید بحث کنیم.

شاگرد: اگر به این صورت باشد، آن احتمال تقویت می‌شود که یکی از طریق‌های مرحوم شیخ به برقی سه نفر هستند که میانه آنها ابوغالب زراری است. آن وقت ممکن است که مرحوم شیخ از کتاب برقی نقل بکند، بعد چون می‌خواهد طریق را ذکر کند، اسم ابوغالب زراری را می‌آورد.

استاد: همانی است که تلقی مشهور است. فقط مبعّداتی داشت که در جلسه قبل صحبت شد. من این را عرض کردم که شما آن را ببینید. یکی دو درس مفصل از اساتیدی است که در اینجا

تحقیق کرده‌اند.

شاگرد: احتمالی که جلسه قبل بیان فرمودید را بیشتر توضیح می‌دهید؟

استاد: مطلبی که الآن گفتم ناظر به همان احتمال جلسه قبل است. ایشان می‌فرمایند در ذهن او روایت عدد بوده، لذا می‌گوید که هلال چیست. روی این احتمالی که من عرض می‌کنم، روایات تفسیری در ذهن او بوده؛ به این معنا که اهله به‌معنای تشکلات قمر بوده. می‌خواهد برایش واضح شود که واقعاً به این صورت بوده. در ذهن سائل مشکلی نبوده که اگر منظور تشکلات قمر نیست و اهلة الشهور است، گام بعدی این است که به رؤیت، سراغ اهله الشهور برویم یا به عدد؟ لذا امام علیه‌السلام در طول آن بیان می‌فرمایند اولاً مراد از آیه اهلة الشهور است، بعد هم «صم لرؤیة و افطر لرؤیة»؛ یعنی هلال همان هلالی است که باید ببینی. هلال متبین، نه هلال به‌معنای شهور. کسانی هم که قائل به عدد هستند، قائل به شهر محرم و ... هستند. لذا این‌که حضرت فرمودند اهلة الشهور، توضیح می‌دهند منظور از آن، شهوری نیست که با عدد سازگاری داشته باشد و هر دو را بگیرد. در گام بعدی حضرت توضیح اضافی می‌دهند.

شاگرد: این‌که در زمان صدور روایات عدد در ذهن‌ها جاگرفته بود، دو فرمایش مرحوم صدوق است. هم در فقیه و هم در خصال می‌فرمایند: مذهب خواص الشیعه و اهل الاستبصار من‌هم ان شهر رمضان لاینقص عن ثلاثین. این، جا گرفته بود. شاید بتواند موید باشد.

استاد: بله، این عبارت صدوق که معروف است.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۸۲

[2] البقره ۱۸۹

[3] البقره ۱۸۵

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 09:25:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 09:27:41 توسط ... .